

گزارش میدانی «توسعه ایرانی» از خانه‌به‌دوشان تهران

شب‌با «ماشین خواب»های میرداماد



آسو محمدی

حالا دیگر عبارت «خانه به دوش» جای خودش را خوب پیدا کرده؛ پس از گور خوابی، کارتن خوابی، اتوبوس خوابی، کتانل خوابی، زیرپل خوابی و... حالا پدیده «ماشین خوابی» هم به ادبیات فارسی و هم به پدیده‌های اجتماعی اضافه شده است.

این روزها به دلیل افزایش بیش از حد هزینه‌های زندگی و رشد بیکاری، جوانان برخی استان‌ها به پایتخت پناه آورده‌اند. روزها با ماشین‌های کار می‌کنند و شب‌ها در همان ماشین می‌خوابند تا جایی که برخی از محله‌های شهر افرق کرده‌اند. ساعت ۱۱ شب است. قدم‌زنان از پیاده‌رو خیابان شریعتی به سمت بلوار میرداماد می‌روم. روی پل اتوبان همت اندکی می‌ایستم. خیابان‌ها خلوت شده‌اند. برگی در امتداد جدول‌های خیابان می‌خزد. سیاهی شب، سایه انداخته روی اتوبان همت؛ همت شلوغ است و پرهایو. هیاهوی بادی شده پیچیده روی پل‌ها و خیابان‌ها؛ چنان غلغله‌ای که تمام شهر را در نور دیده است.

بیش از ۱۰۰ راننده در بلوار میرداماد در ماشین می‌خوابند

بلوار میرداماد حالا علاوه بر ساکنان اصلی، ساکنان دیگری هم دارد؛ ساکنانی مهاجر که برای کار مستقیم به بلوار آمده‌اند. با ماشین کار می‌کنند، با ماشین همانجا می‌خوابند؛ این روزها ماشین برای برخی از مردم وسیله رفاه نیست، تنها امکان بقا برای زندگی است؛ برخی از این راننده‌ها در بلوار میرداماد هستند. برای گفت‌وگویی با چند نفر از راننده‌ها، شبانه به بلوار آمده‌ام.

سلام، خوبی؟ چرا اینجا خوابیدی؟
- سلام. کجا بخوابیم؟ روزها مسافر کشی می‌کنم و شب‌ها در ماشین می‌خوابم. شب‌ها در ماشینم می‌خوابم

مثل خیلی‌های دیگر که از شهرستان آمده‌اند.

حدود ۵۰ سال دارد. از یکی از کلانشهرهای ایران به تهران آمده است. خانواده‌اش شهرستان هستند و خود در پایتخت گذران عمر می‌کند.

قبلا چه کار می‌کردی؟
- برای خودم شغلی داشتم و زندگی‌ام خوب بود. در دولت پیش در پی برخی تعدیلهای بیکار شدم. از آن زمان مسافر کشی می‌کنم.

چند وقت است که اینجا می‌خوابی؟
- از زمستان امسال تا حالا.

زمستان سرد تهران را چطور گذراندی؟

- توی همین ماشین بودم. کمی شیشه ماشین را پایین می‌کشیدم، پیک‌نیک را روشن می‌گذاشتم، صدای رامی خوباندم کف ماشین می‌خوابم. گاز پیک‌نیک خطرناک نبود؟
- سرم نمی‌کشم و شیشه را برای همین پایین می‌کشم.

برای غذا و مسائل بهداشتی چه می‌کنید؟

- به حمام «نمره» می‌روم و برای غذا نیز شب‌ها با پیک‌نیک در گوشه خیابان آسپزی می‌کنم، طوری که برای صبح هم بماند.

در همین حوالی میرداماد چند نفر دیگر هستند که این طوری زندگی می‌کنند؟
- من خودم شاید ۱۰۰ نفر را می‌شناسم که از شهرهایی مثل بجنورد و... آمده‌اند؛ از بیکاری، از بدبختی. این تعداد مال همین حوالی است. ببینید در دیگر قسمت‌های شهر تهران چه خبر است.

پلیس برای خوابیدن در ماشین تذکر نمی‌دهد؟

- نه، نهایت می‌گوید حرکت کن اینجا نیست. البته به پلاک نگاه می‌کند و می‌گوید بنده خدا خسته و کوفته از

این روزها به دلیل افزایش بیش از حد هزینه‌های زندگی و رشد بیکاری، جوانان برخی استان‌ها به پایتخت پناه آورده‌اند. روزها با ماشین کار می‌کنند و شب‌ها در همان ماشین می‌خوابند تا جایی که برخی از محله‌های شهر را فرق کرده‌اند

شهرستان آمده، چیزی نمی‌گوید و می‌رود.

۸ نفر زیر دستم کار می‌کردند، ببین چه شد...

سه سالی تلاش کرده تا در شغلش بماند اما نتوانسته. محسن ۳۴ ساله می‌گوید: «کار ساختمان خوابیده. اگر هم کار باشد، به آشناها کار می‌دهند. من سه سال تلاش کردم در شغل گچ‌کاری بمانم؛ بشد که نشد. آن زمان که رونق کار بود، هشت نفر زیر دستم کار می‌کردند. ببین چه شد که دست آخر مسافر کش شدم. نه اینکه مسافر کشی کار بدی است، برای علاقمندان این کار محترم نیز هست. ولی من شغلم چیز دیگری است. کرج زندگی می‌کنم. در کرج به نتیجه نرسیدم آمدم تهران. الان اینجا اگر جریمه نشوم و تصادف نکنم یا ماشین خراب نشود، روزانه ۱۱۰ هزار تومانی درمی‌آورم.»

زیر آسمان پایتخت، بعضی‌ها همه زندگی‌شان همین ماشین است. با ماشین مسافر کشی می‌کنند، در آن می‌خوابند و عمده لحظات زندگی‌شان را در آن سپری می‌کنند. امید یک لقمه نان. سبزی می‌کنم، طوری که برای صبح هم بماند.

به زودی دو دخترم وارد دانشگاه می‌شوند
حسین آقا حدود ۵۰ ساله است. پاسی از شب گذشته و از شریعتی به پیچ‌شمیران می‌رود و می‌گوید: «با وضع فعلی درآمدی نمی‌توانم

جوابگوی زن و بچه‌ام باشم. به زودی دو دخترم وارد دانشگاه می‌شوند و شرایط سخت‌تر می‌شود.» اهی می‌کشد و ادامه می‌دهد: «آقا! باور کن اگر کار خودم را داشتم، هیچ وقت سراغ مسافر کشی نمی‌رفتم.»

مکثی می‌کند: «گاهی مسافر کش‌هایی که از شهرستان به تهران آمده‌اند، برایم می‌بینم که ناچارند در ماشین بخوابند، باز خدارا شکر می‌کنم که حداقل شب پیش زن و بچه‌ام یک چای و غذای گرم می‌خورم، ولی آنها چه؟» صدایش را کلفت‌تر می‌کند، کمی در صدلی جابه‌جا می‌شود، صاف‌تر می‌نشیند و با جدیت بیشتری می‌گوید: «در جامعه هیچکس در شغل خودش نیست.»

از او می‌پرسم این راننده‌ها را که در ماشین می‌خوابند دیده‌اید؛ جمله‌بعضی از آنها هم آشنا هستم. بنده‌های خدا شب‌ها مقابل پمپ بنزین، بیمارستان، زیرپل‌هایی مثل پل سیدخندان و... در ماشین می‌خوابند. برای حمام هم به حمام نمره می‌روند. پول اجاره خانه هم ندارند. چاره‌ای هم ندارند. در گرما و سرما باید شب در ماشین بخوابند؛ خیلی در عذابند.»

اگر شهرستان کار بود، مسافر کش نمی‌شدم

ظاهر شاد و مسرحی دارد. ۲۰ ساله است و تازه از پیچ جوانی گذشته. می‌گوید: «برادر و چند نفر دیگر از آشناایانم وارد یک شبکه تاکسی اینترنتی شدند من هم به آنها پیوستم. یک دوره آموزشی یک ساعته برای آشنایی با سیستم و... گذراندم از آن زمان مشغولم. بیمه که ندارم. روزی بدون جریمه و... ۱۰۰ هزار تومانی درمی‌آورم. حسن این تاکسی به اصطلاح اینترنتی این است که شبانه‌روزی است. هر وقت بخواهی کار کنی، کار هست. کسانی را می‌شناسم که در شبانه‌روز تا ۲۰۰ هزار تومان درمی‌آورند. شاید چهار ساعت بیشتر نخوابند. چاره‌ای ندارند.»

امید هم شب‌ها در بلوار میرداماد می‌خوابد و اما اکثر شب‌ها بیدار است و تا

نزدیک صبح کار می‌کند: «اگر شهرستان کار بود، هیچ وقت خودم را اسیر این شهر بی‌در و بیکر نمی‌کردم. در شهر ما کار نیست. بیشتر جوان‌هایش به تهران آمده‌اند. دائم گوشی‌اش در شارژ است و می‌گوید: سیستم این تاکسی اینترنتی شارژ گوشی زیادی مصرف می‌کند. بخشی از هزینه‌های تاکسی‌های اینترنتی، اینترنت هم هست.»
- می‌گوید: بچه‌کجایی؟
- می‌گوید: بچه‌زیر آسمان این شهر. برای شما چه فرقی می‌کند؟

ماشین خوابی و تبعات روانی آن
در این میان دکتر محسن مهاجری، جامعه‌شناس درباره این پدیده اجتماعی به «توسعه ایرانی» می‌گوید: «خانه داشتن در انسان احساس تعلق به وجود می‌آورد. وقتی خاطره‌ای با خانه خود نداشته باشی و مرتباً آن را تغییر دهی. این فقدان خاطره به روح و روان شما لطمه می‌زند. فرق بسیاری بین خانواده‌ای که دو نسل از آنها در یک خانه زندگی کرده است و آن کسی که هر چند سال یک بار محل زندگی خود را تغییر می‌دهد، وجود دارد.»

اومی‌گوید: «افراد حتی در خانه‌های استیجاری تصاویر خانوادگی، قاب‌های عکس و یادگاری‌های خود را به دیوار نمی‌زنند، چرا که می‌دانند باید از آنجا بروند و برای آنکه با اعتراض صاحب‌خانه رویه‌ور نشوند، از به نمایش گذاشتن خاطرات‌شان پرهیز می‌کنند. در این شرایط است که روح انسان نصفه‌زبست می‌کند.»

کاهش میل به زندگی، خودکشی و افزایش معتادان

مهاجری درباره تبعات و آسیب‌های این نوع زندگی در ایران که هر روز شمارش افزوده می‌شود، می‌گوید: «تبعات و آسیب‌های اولیه آن را می‌توان در کاهش میل به زندگی، بالا رفتن شمار خودکشی‌ها، افزایش معتادان به مواد مخدر و... دید. این آسیب‌ها ما تنها مختص به جامعه ایرانی نیست. هر روزه اقتصاد در حال افزایش سلطه خود بر تمامی سطوح اجتماعی در جهان

از آنجا که ماشین خواب‌ها عموماً افرادی هستند که خانه‌ای در شهر دیگر و در زادگاه خود ندارند و به کلانشهری چون تهران پناه آورده‌اند تا پولی در بیاورند و خرج زندگی‌شان را بدهند؛ آسیب‌های روانی که به آنها وارد می‌شود نیز دو چندان است

است و این باعث می‌شود که جامعه جهانی با انسان‌هایی در آینده رویه‌ور شود که تعلق خاطر به جامعه خود ندارد و این عدم تعلق خاطر آسیب‌های فراوانی را برای جامعه به همراه خواهد داشت و سبب بروز بحران‌های بسیار خواهد شد.»

احساس تنهایی، احساس بی‌ارزش بودن و مرگ خاطر‌های خوب با هم بودن در خانه پدری و رهایی از تعلقات شاید بخشی از آسیب‌هایی باشد که روان «ماشین خواب»‌ها را نشانه‌رفته است.

این جامعه‌شناس درباره آنچه که ماشین خواب‌ها در زندگی پیش روی‌شان تجربه خواهند کرد، می‌گوید: «گرچه که تاکنون این پدیده از منظر اجتماعی و روانشناختی مورد مطالعه قرار نگرفته است و نمی‌توان به صورت دقیق درباره آن اظهار نظر کرد؛ اما به طور کلی می‌توان گفت که این پدیده عزت‌نفس پایین را در این افراد رقیم خواهد زد چرا که فرد فکری کند که از حداقل‌های زندگی محروم شده است. برای جامعه ایرانی وجود چنین پدیده‌ای به عنوان یک نابسامانی تعریف می‌شود. اما از آنجا که ماشین خواب‌ها عموماً افرادی هستند که خانه‌ای در شهر دیگر و در زادگاه خود ندارند و به کلانشهری چون تهران پناه آورده‌اند تا پولی در بیاورند و خرج زندگی‌شان را بدهند، آسیب‌های روانی که به آنها وارد می‌شود نیز دو چندان است.»

از گوشه و کنار

در گفت‌وگو با ایلنا مطرح شد: ۵۰۰ هکتار از عرصه‌های جنگلی در آتش سوخت



فرمانده یگان حفاظت سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور گفت: در خردادماه حدود ۵۰۰ هکتار جنگل و اراضی جنگلی متأسفانه دچار حریق شد. سرهنگ علی عباس‌نژاد، در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا درباره وقوع آتش‌سوزی در عرصه‌های طبیعی و جنگلی گفت: در دو ماهه ابتدای سال جاری آمار حریق‌های در عرصه‌های طبیعی نسبت به سال گذشته بسیار پایین بود. اما در خرداد با افزایش حریق در این عرصه‌ها مواجه بودیم. فرمانده یگان حفاظت سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور با گلایه از عدم پرداخت اعتبار لازم برای استفاده از الگور در اطفای حریق هوایی در عرصه‌های طبیعی گفت: در سال جاری آتش‌زدن پس‌چرا در زمین‌های کشاورزی توسط کشاورزان را به طور جد پیگیری کردیم و تعدادی پرونده نیز در استان‌ها در سطح کشور در این زمینه تشکیل شده است. وی با بیان اینکه بیشتر آتش‌سوزی‌ها در مراتع و آبخیزداری کشور با گلایه از عدم پرداخت اعتبار لازم برای استفاده از الگور در اطفای حریق هوایی در عرصه‌های طبیعی گفت: در سال حدود ۳۰ میلیارد تومان برآورد شده که متأسفانه چیزی پرداخت نشده البته ما همچنان پیگیری این موضوع هستیم. اما هنوز به نتیجه نرسیده‌ایم.



اولادباید:

سرانه پزشک در کشور روبه کاهش است



یک نماینده مجلس شورای اسلامی در مجلس شورای اسلامی با اشاره به کمبود پزشک در کشور گفت: سرانه پزشک در حوزه‌های پزشک، دندانپزشک و داروسازی با کمبود مواجه است. فریده اولاد قباد در گفت‌وگو با ایلنا، درباره کمبود سرانه پزشک و دلایل این موضوع گفت: کشور به رقم افزایش سرانه پزشک در سال‌های پس از انقلاب در حوزه‌های پزشک، دندانپزشک و داروسازی با کمبود مواجه است. نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی با بیان این که کمبود پزشک در کشور باعث به وجود آمدن شرایط خاص در ارائه خدمات سلامت می‌شود، ادامه داد: تاکنون آمدیها در حوزه سلامت منجر به کاهش کیفیت خدمات درمانی، افزایش قیمت‌ها، تشکیل صف‌های طولانی انتظار، توزیع نامتوازن پزشک و بی‌عدالتی در دسترسی به خدمات خواهد شد. وی ادامه داد: سرانه پزشک در ایران ۱۱ پزشک برای هر ۱۰ هزار نفر است که در کشورهای پیشرفته بین ۳۰ تا ۴۰ پزشک به ازای هر ۱۰ هزار نفر است.



وزارت بهداشت برای این منظور تمهیداتی اندیشیده است

جلوگیری از ورود ویروس «نیل غربی» به کشور

رئیس اداره مدیریت بیماری‌های قابل انتقال بین انسان و حیوان وزارت بهداشت با اشاره به مشاهده ویروس «نیل غربی» در شمال آمریکا، آفریقا و خاورمیانه، با تاکید بر اینکه تاکنون هیچ موردی از ابتلا به این ویروس در ایران گزارش نشده، تمهیدات وزارت بهداشت برای جلوگیری از بروز و شیوع این بیماری را تشریح کرد. دکتر بهزاد امیری در گفت‌وگو با ایلنا، انتقال ویروس نیل غربی به انسان را از طریق گزش پشه آلوده به ویروس معرفی کرد و گفت: انتقال این ویروس از طریق پشه آلوده، به انسان و حیوان صورت می‌گیرد. این پشه معمولاً از غروب تا طلوع آفتاب فعال است و در آن زمان است که اگر فردی در معرض گزش این پشه قرار گیرد و در صورت آلودگی پشه، به ویروس نیل غربی دچار می‌شود. وی افزود: این بیماری درمان اختصاصی ندارد و بیشتر، درمان حمایتی و برای پیشگیری از انتقال ثانویه آن است. در بحث پیشگیری افراد باید سعی کنند تا حد امکان از سفر به مناطقی که شیوع بیماری نیل غربی گزارش شده است، خودداری کنند.

و... همراه باشد که در این صورت می‌توان علت بی‌حوصلی وی‌ب‌علاقگی فرد را جزئی از سیمپتوم‌های بیماری افسردگی دانست.

باتوجه به تحقیقات و پژوهش‌های روانشناسی آدمی متوجه نمی‌شود که دقیقاً از چه زمانی دچار افسردگی شده، زیرا علائم این بیماری به تدریج و به مرور زمان ایجاد می‌شوند. از منظر آسیب‌شناسی نیز می‌توان گفت: این اختلال در هر فردی بنابر رویادهای متفاوتی که در زندگی تجربه می‌کند، ممکن است نمایان شود.

آنچه که مشخص است از نظر سن و جنسیت محدودیتی برای ابتلا به بیماری «افسردگی» وجود ندارد. اما با توجه به مراجعات بیشتر زنان به متخصص بعضاً تعداد زنان مبتلا به افسردگی دو برابر مردان گزارش می‌شود؛ چرا که تحقیقات نشان داده است زنان تمایل بیشتری برای بحث در مورد افسردگی خود دارند در حالی که مردان سعی می‌کنند آن را از دیگران مخفی کنند. از اینرو به عنوان نکته پایانی تاکید می‌شود نسبت به خلق و خو، افکار، اندیشه‌ها و باورهای خویش توجه داشته باشید. زیرا شیوع افکار و باورهای غلط با خطر ابتلا به اختلال افسردگی نسبت مستقیمی دارد.

این احساسات می‌تواند به خود کمک کند. پس برای افسردگی روزمره‌ای که همه‌ما گاه‌به‌گاه تجربه می‌کنیم، نیازی به مراجعه به یک متخصص نیست مگر آنکه وضعیت سلامت روان فرد در زمینه‌های شغلی، تحصیلی و روابط خانوادگی بافت عملکردی و روبرو شود که در این صورت حتماً باید از مشورت با یک روانشناس یا روانپزشک بهره‌برد.

به زبان ساده می‌توان گفت «افسردگی» همان حس غمگینی و بی‌علاقگی به زندگی است؛ ناگفته نماند که هر غم و اندوه و بی‌حوصلگی و کج خلقی نسبت به انجام یک فعالیت به معنای بیماری افسردگی نیست؛ مگر آنکه با علائم دیگری همچون احساس گناه و درمندی، پر خوری عصبی و یا کاهش اشتها، احساس اندوه و پوچی و بی‌ارزشی، مشکل در تمرکز و یادآوری جزئیات و تصمیم‌گیری، احساس غم، کاهش میل جنسی، میل به گریه کردن بدون هیچ دلیل خاصی، بیقراری و نا آرامی، سردرد، گرفتگی عضلات و یا مشکلات گوارشی، از دست دادن میل و علاقه نسبت به فعالیت‌های لذت‌بخش

اپیدمی و چراغ خاموش در حال رشد و گسترش در میان اقشار مختلف جامعه است.

«افسردگی» در زمره شایع‌ترین اختلال‌هایی است که در عصر حاضر گریبان بسیاری از افراد را گرفته و کیفیت زندگی آنها را تحت تأثیر قرار داده است. نکته حائز اهمیت آن است که علائم و نشانه‌های این بیماری به یکباره و ناگهان بروز پیدا نمی‌کند. نکته دیگر مساله تمیز‌گذاری است؛ یعنی باید بدانیم ما آدم‌ها ربات یا آدمک کوچکی نیستیم؛ انسانیم؛ و به فراخور حوادثی که در خلال زندگی بر ایمان رقیم می‌خورد گاهی ممکن است احساس خستگی، بدبختی و نا اراحتی کنیم که این وضعیت نیز با توجه به مشکلات معیشتی که با آنها دست‌وپنجه نرم می‌کنیم، چندان بی‌ارتباط نیست. اما ضرورت پدید آمدن در زندگی افراد بهنجار و نرم‌ال این احساسات معمولاً بیش از یک یا دو هفته دوام نمی‌آورد و چندان هم در روند زندگی آنها خللی ایجاد نمی‌کنند. بنابراین هر آدمی گهگاهی دچار احساسات منفی چون غم و اندوه می‌شود که معمولاً برای برطرف شدن

یادداشت

افسردگی؛ بیماری شایع در عصر حاضر



فاطمه ناصح، دکترای روانشناسی عمومی

در گذشته‌های نه چندان دور ضرب‌المثل «مگر کشتی هایت غرق شده» در حد امروز کاربرد نداشت؛ چرا که مشکلات زندگی آنقدر بزرگ و زیاد و ریز و درشت و متعدد نشده بودند که آدمی با برخورد با سنگی در جلوی پایش دست از تلاش بشوید و زانوئی غم در بغل گیرد؛ اما اکنون شرایط فرق کرده و سبک زندگی افراد و نابسامانی‌های اقتصادی و اجتماعی باعث شده که در هر خانه‌ای چند زانوئی غم در بغل گرفته وجود داشته باشد.

به عبارتی امروزه در دنیایی به سر می‌بریم که گویی همه کشتی‌هایشان در حال غرق شدن است؛ این افراد اگر به حال و احوال درونی خود رسیدگی نکنند، بطور فزاینده‌ای در معرض خطر ابتلا به بیماری افسردگی هستند؛ بیماری که به صورت